



بررسی و واکاوی پیامدهای خروج یک جانبه آمریکا از موافقت نامه محیط

زیستی پاریس

مشکلات حاد محیط زیستی، نماد تخطی و عدول بارز دولت ها از معیارهای پذیرفته شده حقوق بین الملل

علی اکبر کیانی پناه،

پژوهشگر نمونه کشوری

محل کار: بازنشسته فرهنگی

آدرس پست الکترونیکی: zelzal.gr37@yahoo.com

*چکیده:

امروزه به موازات تبدیل شدن آلودگی محیط زیست به یک معضل جهانی، هیچ تردیدی باقی نمانده است که ظاهر گشتن چنین بلیه ای یکی دیگر از مظاهر مشهود قانون شکنی و نادیده انگاشتن حقوق بین الملل از سوی بسیاری از دولت هاست. هدف این مقاله از یک سو بررسی مؤثرترین مقابله با هر نوع آلودگی محیط زیست می باشد و از سوی دیگر، چگونگی ملزم کردن و پای بندی دولت ها به عناوین محیط زیستی و بی اعتنایی به تعهدات بین المللی است. به ویژه این که تعهدات محیط زیستی، یکی از اساسی ترین فزای های حقوق بشر تلقی می شود و تخطی از آن، هیچ استثناء و تبصره ای را بر نمی تابد، در این مقاله، موضوع محیط زیست، از زوایای مختلفی مورد واکاوی قرار گرفته است تا واکنش دولت ها با فراخوانی بیشتری مورد ارزیابی قرار گیرد. شاید یکی از مشکلات مبتلابه جوامع انسانی که باعث می شود آلوده کننده ترین کشورها بدون هیچ دغدغه ای به طور کاملا یک جانبه از توافقات بین المللی خارج شوند، این حقیقت تلخ باشد که متأسفانه تا کنون آنگونه که شایسته است به صورت جامع به این موضوع پرداخته نشده است. این مقاله در صدد پرکردن همین خلاء های حقوقی می باشد.

کلید واژه ها: حقوق بشر، محیط زیست، سلاح های متعارف، شورای امنیت، سلاح های ممنوعه، امنیت روانی، سکویای نظامی فضاپایه.

***مقدمه:** در یک نگاه کلی و یک مفهوم وسیع، حفاظت از محیط زیست یعنی تمهید و به کارگیری مؤثرترین ساز و کارهای ممکن در تضمین امنیت فیزیکی و معنوی حیات کلیه موجودات زنده عالم هستی. به همین دلیل، دو کنوانسیون بین المللی (پیمان کیوتو ۱۹۹۷ ژاپن و توافقنامه ۲۰۱۵ تغییر اقلیم پاریس) به این امر اختصاص یافته است، خوشبختانه اینجانب در اثنای تدوین همین اثر پژوهشی، هنگامی که سخنرانی پاپ فرانسیس، رهبر فعلی کاتولیک های جهان را می شنیدم که در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ (مقارن با سوم مهر ۹۴) به طور مستقیم در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل ایراد می شد، شاهد انطباق دقیق مواضع ایشان با همین تلقی از آلودگی (نگرش چند وجهی به موضوع) بودم. کما این که ایشان مؤلفه هایی همچون آموزش، آزادی مذهب، حق مسکن، حق شغل مناسب، غذای سالم، مبارزه با فقر، اهمیت قائل شدن برای شادی و رفاه مردم، پرهیز از خشونت های فرقه ای، تحدید سلاح های هسته ای، لزوم کنترل رفتار مقامات آمریکایی و... را نیز از عناصر بنیادین و مؤثر در ایجاد محیط سالم می دانستند که علی الاصول هرگونه تعدی و یا بی توجهی به موارد مذکور، به مثابه بی توجهی و یا تعرض به محیط زیست تلقی می شود!! حال شایسته است که موضوع محیط زیست، با یک نگاه کلی، مورد مذاقه و واکاوی همه جانبه قرار داد.

***متن مقاله:** با عنایت به موارد صدرالذکر و روح حقوق بین الملل و حقوق بشر و فرازهایی از معیارهای اخلاقی پذیرفته شده از سوی مردم جهان، می توان ادعا نمود که در فرایند تدوین حقوق بین الملل و احصاء مسئولیت خطیر دولت ها می بایست علاوه بر امعان نظر قاطع بر موارد ذیل، راهکارهای بازدارنده ای برای جلوگیری از خروج کاملا بی دغدغه دولت ها از معاهدات بین المللی تمهید شود تا اعتماد عمومی از کنوانسیون ها و رهبران سیاسی جهان خدشه دار نگردد و هر اقدام هماهنگ دولت ها، قدمی به سوی صلح واقعی جهانی و مفاهمه پایدار تلقی شود. خصوصا این که رفتار دولت ها مواردی را دربر بگیرد که عبارتند از: تبیین هرچه دقیق تر ابعاد مختلف آلودگی محیط زیست و میزان کارآمدی حقوق بین الملل در مقابله با آن/ رابطه حقوق بشر با محیط زیست/ آثار قوانین ضعیف و ناکارآمد بر تخریب محیط زیست/ آثار عدم حمایت از تحدید و یا جمع آوری سلاح های متعارف همانند سلاح های شیمیایی، بیولوژیکی و همچنین انواع سلاح های هسته ای بر محیط زیست/ بررسی مقایسه ای آثار



مثبت و منفی فناوری هسته ای بر محیط زیست/ بررسی نقش قدرت های بزرگ در بحران آفرینی های نگران کننده ای همانند واترگیت، دارفور، سودان، لاکربی، برج های دوقلو، قضیه بوسنی و هرزه گوین، جنگ ویرانگر ۸ ساله ایران و عراق و بسیاری از حوادث مشابه و تاثیر سهمگین این قبیل مسائل بر تخریب محیط زیست/ بررسی نقش دفاع مشروع بر تخریب محیط زیست و مشکوک بودن آن به عنوان یک حق/ بررسی جامع کلیه وجوه تروریسم و قاچاق مواد مخدر بر محیط زیست (تخریب منابع مالی و انسانی/ بررسی آثار سوء مین گذاری های مجاز و غیر مجاز در زمین و دریا بر محیط زیست/ بررسی ابعاد مختلف عدم اقتدار قضایی در فراهم آوردن زمینه برای عدم تداوم و تکرار جرائم محیط زیستی و فقد ضمانت اجرایی برای هر نوع تخطی از آن/ بررسی آثار و تبعات وجود حق وتو در به هم زدن امنیت روانی مردم و تحریم های یک جانبه تهدید سلامت و بهداشت و تخریب محیط زیست کشورهای هدف/ بررسی واکنش مراجع بین المللی در قبال تخریب و تهدید کنندگان محیط زیست به ویژه برپایی آشوب ها و جنگ های ویرانگر و سلاح های به کار گرفته شده در آنها/ بررسی نقش شورای امنیت و ICC در جلوگیری از تخریب محیط زیست به لحاظ کم توجهی یا بی توجهی به مجازات جنگ آفرینان و استفاده کنندگان از سلاح های ممنوعه

همان گونه که در لیست فوق و توضیحات مختصر ارائه شده در مقدمه مشاهده می شود، مسائل محیط زیستی به حدی دارای ابعادی پیچیده است که نه تنها کل محتوای دو پیمان بین المللی صدرالذکر به آن اختصاص یافته است، بلکه یکی از بزرگ ترین رهبران مذهبی (پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک های جهان) را نیز به این عرصه فراخوانده است! کما این که ایشان طی دو سخنرانی متوالی در کنگره آمریکا و سازمان ملل، بر سه موضوع تلاش همگانی در جهت حل مشکل مهاجرت و حفظ محیط زیست و مقابله با افراط گری و رفع خشونت های فرقه ای به نام خدا و مذهب، تأکید ورزیدند. ولی جدا جای تأسف است که این بار نیز رفتار آمریکا که به سردمداری یک تاجر کم اطلاع از پیچیدگی های دنیای سیاست به نام ترامپ در حال وقوع است، دقیقاً یادآور رفتاری است که در سال ۲۰۰۵ و در ارتباط با پیمان کیوتو از یکی دیگر از رهبران گستاخ آمریکا به نام بوش مشاهده کرده اند که رفتار او نیز همسو با سیاست های تشنج زای ترامپ فعلی بود!؟ بنابراین با چنین توصیفی از ابعاد وسیع مؤلفه های محیط زیستی و رفتاری که کشورهای سلطه جو با این موضوع از خود نشان می دهند، اگر با هرگونه سهل انگاری و یا تعرضات خویش، موجبات فساد و یا تخریب مواد و عناصر موجود در طبیعت را فراهم آوریم. اگر در بهره برداری از میراث مشترک بشری جانب اعتدال را رعایت نکنیم. اگر موجبات بارندگی استاندارد را فراهم نیاوریم. اگر در ارتقاء سطح دانش و اندوخته های نسل جوان، دچار هرگونه غفلتی شویم. اگر در قبال تعدی های نظامی و ترفندهای سیاسی واکنش لازم را نشان ندهیم. اگر حریم شکنان و متعدیان به حقوق مردم، خصوصاً دولتمردان صاحب قدرت را به مجازات نرسانیم، با دست خویش موجبات آلودگی های واقعی یعنی آلودن مقام انسانیت به لوث بیماری های روانی و اخلاقی را فراهم آورده ایم که به مراتب مهلک تر از بیماری های جسمی و یا آلودگی های محیط زیست است. پس بر هیچ کس پوشیده نیست که محیط زیست، اولین نماد اجرای حقوق بین الملل و یک حق همگانی و نماد بارز تخطی و عدول دولت ها از معیارهای پذیرفته شده حقوق بین الملل به حساب می آید. لذا شایسته است که با غور و تفحص همه جانبه پیرامون این موضوع حیاتی، راهکارهای مقابله با این بحران و کنترل رفتار دولت ها از گسترش ضایعات و پیامدهای مهلک عدول از معاهدات محیط زیستی، تمهید شود.

۱) شرح مختصری پیرامون کنوانسیون های محیط زیستی و سایر اقدامات همسوی با آن: یکی از مهم ترین دستاوردهای کلان بشری در روند توسعه علمی و تکنولوژیکی، انقلاب صنعتی بود که تحول عظیمی را در برخورداری انسان ها از مواهب علمی به وجود آورد. ولی همین پیشرفت خطیر، پیامدهای بس وخامت باری را در پی داشت که سلامت مردم را در معرض مخاطرات جدی قرار داد. به عنوان نمونه می توان ماجرای به گل نشستن نفتکش غول پیکرمتعلق به انگلستان موسوم به توری کانیون (Torry canyon) در سواحل انگلستان را یادآور شد که تحولات سریعی را در قواعد مربوط به آلودگی در دریاها به وجود آورد!!^۱ زیرا این تانکر نفتکش که به ظرفیت ۱۸۰۰۰۰ تن در لیبریا ثبت شده بود، در مارس ۱۹۷۶ نزدیک صخره های سون استونز (Seven stones) به گل نشست و به دو نیم تبدیل شد و بیش از نیمی از نفت آن در آب دریا سرازیر شد. فاجعه بارتر این که فقط ۱۱ سال بعد، تانکر دیگری به نام آموکوکاویز که بزرگ تر از توری کانیون بود و با پرچم لیبریا حرکت می کرد، به دلیل بروز اشکال فنی در سیستم هدایت، با سواحل بریتانی برخورد کرد و قریب ۲۱۰ هزار تن نفت خام را وارد آب های دریا کرد. علاوه بر این فجایع، چندین انفجار بزرگ در چاه های نفتی همانند انفجار اکوفیسک در دریای شمال که ۸ روز برای مهار کردن آن طول کشید و یا انفجار ایکستوک در فلات قاره مکزیک که مهار آن ۹ ماه به طول انجامید و بیش از ۴۰۰ هزار تن نفت را وارد آب های مجاور کرد، از دیگر عوامل آلوده کننده و بسیار نگران کننده ای هستند که علاوه بر مخاطرات مستقیم و غیرمستقیمی که برای انسان ها در پی دارد، زندگی آریزان دریایی را نیز به طور جدی در معرض مخاطره قرار می دهند. این در حالی است که معاهدات متعددی همچون کنوانسیون اسلو برای جلوگیری از آلودگی دریایی و سرازیر کردن مواد زائد به دریاها به وسیله کشتی ها و یا هواپیماها منعقد گشته بود. مع الاسف هیچ پیامد مثبت قابل ذکری در راستای اجرای کنوانسیون های اسلو و لندن و مدیترانه و ماریپول و بالتیک وجود ندارد.^۲ از همین رو سران کشورها تحت فشار افکار عمومی، برای وانمود کردن



کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضایی

شهریورماه ۱۳۹۶



میزان پای بندی خود به مسائل محیط زیستی، مبادرت به انعقاد دو کنوانسیون بین المللی تحت عنوان پیمان کیوتو و توافقنامه پاریس نموده اند که موارد مطرح شده در هریک از آن ها به شرح ذیل بوده است:

۱-۱) پیمان کیوتو: در کشور ژاپن، دو نقطه تقریباً همنام وجود دارد که یکی از آن ها توکیو، یکی از ۴۷ استان و پایتخت فعلی ژاپن و دیگری، کیوتو نام دارد که پایتخت سلطنتی این کشور به شمار می آمده و در حال حاضر نیز یکی از زیباترین شهرهای این کشور و مهم ترین منطقه توریستی جهان محسوب می شود. فلذا تصور می شود که اولین اجلاس بین المللی محیط زیست در سال ۱۹۹۷ به صورت کاملاً برنامه ریزی شده در یکی از زیباترین نقاط جهان برگزار شده است تا سران کشورها از نزدیک محو جاذبه های چشم نوازی شوند که وظیفه حراست از آن را برعهده دارند! ولی اگر چه پیمان مزبور مورد تأیید و امضای ۱۶۶ کشور قرار گرفت و از سال ۲۰۰۵ به مرحله اجرایی رسید، ولی کشور آمریکا که از اولین امضاکنندگان آن پیمان بود، با استناد به مصوبه سنای آمریکا که مقامات کشور را از امضای هر پیمان مغایر با منافع آمریکا منع می کند، از اجرای پیمان کیوتو امتناع نمود! درحالی که در متن ضمانت اجرا و مفاد ماده ۲۸ تصریح شده است که کلیه متعاهدین تا ۳ سال حق خروج از توافقنامه را ندارند و پس از انقضای مهلت فوق نیز طبق مفاد بند یک ماده مزبور، هر تقاضای خروج از آن منوط به یک سال مهلت است و هر کشوری که این مفاد را نقض نماید، به مجازات های مصرح در متن توافقنامه محکوم خواهد شد. در اثنای همین اجلاس به سازمان ملل اجازه داده شد که با حربه هایی همچون مجازات های سیاسی و اقتصادی، کشورهای متعهد را ملزم به ایفای تعهدات بین المللی خویش بنماید!! این در حالی است که کشور آمریکا در حال حاضر به تنهایی قریب یک چهارم و یا ۱۶٪ از گاز های گلخانه ای جهان از قبیل متان، دی اکسید کربن، اکسید نیتروژن، هگزا فلوراید سولفور و را تولید می کند و ایران فقط با تولید ۱/۶۸٪ از گازهای گلخانه ای جهان، متعهد به کاهش ۴ درصدی گاز در مراحل قبل از لغو تحریم ها و کاهش ۱۲ درصدی آن در مرحله پس از حذف تحریم ها شده است. لذا شایسته است که هم اکنون به دلیل بی اعتنائی محض ترامپ به معاهدات بین المللی، دولت آمریکا را به جهت سوابق پیمان شکنی ها و خودکامگی های مزمن در امور مورد علاقه دولت های جهان، به تحمل شدیدترین مجازات ها و یا لاقال اخراج از تمامی نهادها و مراجع بین المللی محکوم نمایند

۱-۲) توافقنامه پاریس: این توافقنامه که درحقیقت تکمیل کننده و ترمیم گر پیمان کیوتو و بیست و یکمین کنفرانس سالانه تغییرات اقلیمی سازمان ملل و یازدهمین اجلاس کیوتو بود، در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ در کنفرانس تغییر اقلیم مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. بان کیمون در این اجلاس با تأکید بر پایان یافتن دوره مصرف گرایی عاری از ملاحظاتی زیست محیطی و چرخش جهانیان به سمت اقتصاد کربن زدا (نه بدون کربن، بلکه ضدکربن)، بیشترین تلنگرهای سیاسی را به آمریکا زد و تلویحاً این کشور را به لزوم پای بندی به دستاوردهای اجلاس پاریس فراخواند! به ویژه این که هرگونه سهل انگاری در این برهه، وضعیت شدیداً پرمخاطره ای را به نسل های آتی تحمیل خواهد نمود. چه این که ادامه روند فعلی به زودی موجب گرم تر شدن زمین به مقیاس ۲ درجه سانتیگراد، آب شدن ی هرچه فزاینده تر خ های قطبین، جاری شدن سیلاب های بسیار خطرناک، تغییرات شدید اقلیمی، وقوع طوفان ها و سونامی های ویرانگر، ابتلای مردم و سایر جانداران و حتی گیاهان به بیماری های مختلف و ... می شود. ضمناً سه نکته بسیار حائز اهمیت در پاریس، اتخاذ مواضع بسیار محکم و کاملاً هم سو با دولت های جهان از سوی یکی از بزرگ ترین رهبران مذهبی جهان (پاپ فرانسیس) و حضور تمامی دول جهان در اجلاس مزبور و شکل گیری اجماع جهانی پیرامون مسائل مطروحه بود، که همین امر موجب عکس العمل شدیدتری علیه پیمان شکنان می شود. خصوصاً این که دولت آمریکا سیاست کهنه شده ای را در بسیاری از پیمان ها در پیش گرفته است و سعی می کند با اعمال نفوذ در عملکرد نهادهای تخصصی وابسته به مراجع بین المللی، مسائلی را در دستور کار آنان قرار دهد تا در پناه حساسیت های جهانی که در بین افکار عمومی به وجود می آید، به هر شکل ممکن برتری کاملاً برنامه ریزی شده خود نسبت به سایر کشورهای جهان را حفظ کند!! لذا در مراحل اولیه، موافقت خود را با تمامی تصمیمات متخذه نشان می دهد تا کشورهای دیگر را تشویق به امضاء و حتی تصویب آن ها در پارلمان های خود بنماید و سپس با بهانه قرار دادن یک موضوع واهی، از همان پیمان ها و پروتکل ها خارج می شود!! دقیقاً از همین روست که اگر کشورهای آمریکا و چین و روسیه به ترتیب تولید کننده بیشترین حجم از گازهای گلخانه ای و انجام دهنده سایر اقدامات مخرب محیط زیست هستند، ولی نه مجلس دومای روسیه تا کنون به طرح موضوع پرداخته است و نه مجلس نمایندگان آمریکا!!! این در حالی است که بنا به خبر منتشر شده از سوی خبرگزاری شین هوا، رهبر چین و سران اتحادیه اروپا در اجلاس بروکسل، مجدداً بر پای بندی خود به مفاد توافقنامه پاریس تأکید کردند و رهبر چین، کلید خوردن پروژه توسعه سبز را محصول مستقیم توافقنامه نامید. سخنگوی وزارت امور خارجه چین نیز با انتقاد از تصمیم ترامپ، یادآور شد که توافقنامه پاریس با سختی های زیادی به دست آمده است و هیچ کشوری در دنیا نمی تواند خود را از مساله تحولات اقلیمی جدا کند .

۱-۳) اقدام شجاعانه و منحصر به فرد یک رهبر مذهبی (پاپ فرانسیس): هنوز چند ورقه ای از کتاب قطور تاریخ جهان ورق نخورده است که موضع گیری های رادیکالی و تهاجم تند پاپ بندیکت شانزدهم در کنار سیاست های تشنج زا و غوغا سالارانه بوش (رئیس جمهور وقت آمریکا)، اختلافات مذهبی را به اوج رسانده و بسیاری از وقایع امروزی را پایه ریزی نموده بود. ولی خوشبختانه پس از سپرده شدن زمامداری مذهبی به یک



انسان آشتی طلب و صلح جو، جهانیان بار دیگر تأثیرپذیری وقایع جهانی از مثنی و مرام سردمداران (ان الناس علی دین ملوکهم) را تجربه کردند. چه این که ایشان در اولین سخنرانی خود در مجلس سنای آمریکا و متعاقباً در سازمان ملل، به اعلام مواضع تنش زدای خود پرداخت، یک بار دیگر رفتار خردمندانه ای را از یک رهبر مذهبی به نمایش گذاشت. پاپ با تأکید بر قاعده طلایی مثبت شده بر لوح تاریخ، خطاب به نمایندگان کنگره تصریح نمود که آنچه را برای خود می پسندید، برای دیگران هم روا بدارید!! او با اصرار فراوان بر جدی گرفتن همگانی بحران مهاجرت و اهتمام ویژه در حفاظت از محیط زیست و ضرورت رفع خشونت های مذهبی و غیر مذهبی، به نمایندگان کنگره گوشزد کرد که اگر می خواهید آزادانه به هرجایی مهاجرت کنید، اگر از دولت های جهان انتظار دارید که روند تولید گازهای مخرب سلامت محیط زیست را کنترل کنند، اگر طالب رفع کامل رفتارهای خشونت بار هستید و فرصت مهاجرت را از دیگران نگیرید و دولت را وادار به ایفای تعهدات محیط زیستی کنید و مجازات های اعدام را از قوانین آمریکا حذف کنید!! جالب این که ایشان آثار مخرب بنیادگرایی را به هر دو وجه مذهبی و غیرمذهبی تعمیم دادند تا خشونت در کلیه ابعاد و اشکال آن به طور کلی محو شود. لذا می توان اعلام چنین موضعی را اهتمام در تدوین مرامنامه صلح جهانی تلقی کرد که امید است جهانیان شاهد استمرار همین رفتارها در تمامی نهادهای سیاسی و حقوقی و مذهبی باشند تا جهان به بستری برای رشد و تعالی و تشریک مساعی مجدانه در برخورداری همگان از لذات حیات تبدیل شود.

۲) بررسی فجایع محیط زیستی در سایر اسناد تاریخی و معاهدات بین المللی:

۱-۲) بررسی فجایع محیط زیست دریایی و ریشه های حقوقی این نارسایی ها: همان گونه که قبلاً اشاره شد، پاپ فرانسیس در موضع گیری های بی سابقه خویش، ضمن برحذر داشتن مقامات آمریکا از حرص و آز افراطی پیرامون منافع اقتصادی (شاه کلید تمامی تجاوزات نظامی و حقوق بشری و سیاسی آمریکا) و نام بردن از جنگ به عنوان نافی تمامی دستاوردهای محیط زیستی، بر جمع آوری کامل سلاح های اتمی نیز تأکید کرد. پیامدهای بی توجهی به این کلام ارزشمند را می توانیم علاوه بر تاریخچه جنایتکاران جنگی، در جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ نیز مشاهده کنیم که باعث اشغال کرانه باختری رود اردن، نوار غزه، صحرای سینا، بلندی های جولان و بروز فجایع انسانی بشمار شد. ضمناً آلودگی آبها به قدری وارد مراحل بحرانی شده که کنوانسیون جداگانه (۱۹۵۴) برای رسیدگی به همین امر منعقد و همین موارد در کنفرانس مارپول نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. ضمناً در بسیاری از کنوانسیون های دو جانبه و حتی منطقه ای، به ویژه در کنوانسیون مدیترانه یا همان کنوانسیون بارسلون نیز صراحتاً ذکر گردید که اعضای آن نه تنها مجاز، بلکه مکلف به مقابله با هر نوع از موارد اضطراری ایجاد کننده آلودگی هستند، بلکه هر عضوی به محض اطلاع از آلودگی، باید فوراً آن را به اطلاع یونپ (UNEP - برنامه ملل متحد برای محیط زیست) و مرکز منطقه ای مبارزه با آلودگی های نفتی مدیترانه مستقر در مالت و سایر دولت های در معرض آلودگی برساند. بی شک در صورت اهتمام دولت ها نسبت به اجرای دقیق کنوانسیون های فوق، محدودیت های پیش بینی شده در آن ها می تواند از ارتکاب اعمال خودسرانه شبیه ماجرای توری کانیون، جلوگیری کند. اصولاً شاید یکی از دلایلی که حمله خودسرانه انگلیس به نفت کش غول پیکر توری کانیون، آن هم در دریای آزاد (۱۹۶۷)، با واکنش جهانی و یا مراجع بین المللی مواجه نشد، توجیه این تعرض تحت عنوان مبارزه با آلودگی و یا تقلیل آن، در راستای صلاحیت جهانی مبارزه با آلودگی بود تا آن نفت کش عظیم الجثه یا به قعر دریا فرو رود و یا نفت موجود، در شعله ها بسوزد. گرچه صحت و مشروعیت این عمل از همان ابتدا به شدت زیر سوال قرار داشت و موجب طرح این مسئله در اجلاس ایمو شد. از همه بدتر این که سالهاست انگلستان و برخی دیگر از دول اروپای غربی، مقادیر زیادی از مواد زاید رادیواکتیو نیروگاه های هسته ای خود را در داخل محفظه های ویژه ای گذاشته، آن ها را در اقیانوس اطلس رها می کنند!! مضافاً این که سرازیر شدن مقدار معتناهی از مواد د.د.ت که توسط آب رودخانه های جاری در مزارع و باغات به سمت دریا سرازیر می شوند نیز از دیگر عوامل آلوده کننده محیط زیست و آبها هستند.^۳ ضمناً از بین ۴ منبع آلوده کننده آب های دریاها و اقیانوس ها یعنی کشتیرانی، فعالیت های بستر دریاها، فعالیت های مستقر در خشکی و ریختن مواد زاید به دریاها، مورد سوم و چهارم که کاملاً تعمدی است و تا چندی پیش، یک روش معمول برای به اصطلاح معدوم سازی مواد زاید به شمار می رفته است، حدود $\frac{3}{4}$ آلودگی آبها را تشکیل می دهد! جالب این که برای توجیه کم توجهی کنفرانس سوم حقوق دریاها نسبت به مقابله با آلودگی، عنوان شده است که اقدامات جدی برای مبارزه با آلودگی، موجب افزایش هزینه صنایع و صاحبان کشتی ها می شود و به همین جهت، دولت ها تمایل چندانی به پذیرش استانداردهای قوی تری برای مبارزه با آلودگی از خود نشان نمی دهند!!^۴ حتی کشور فرانسه که خدماتش به حقوق بین الملل، زبازند همگان است در قضیه شکایت استرالیا به ICJ مبنی بر جلوگیری از انجام آزمایشات هسته ای در اقیانوس آرام با استناد به این که کلیه امور مربوط به امنیت ملی را با یک حق شرط کلی، از صلاحیت ICJ مستثنی کرده است، در صدد استمرار اعمال خود برآمد!! عجیب تر اینکه نام چنین رفتاری را دفاع از امنیت ملی گذاشته بود!! (همان دشمن پنداری موهومی که روش شناخته شده اکثر سیاستمداران است!!) البته صرف نظر از اینکه دعوی استرالیا نیز چندان صغنه حقوقی نداشت. زیرا این کشور قبلاً دست به اقدامات مشابهی زده بود!^۵ مضافاً تا کنون هیچ گونه کنوانسیون و یا حتی قرار داد عمومی چندجانبه ای به جز کنوانسیون مقابله با منابع آلودگی مستقر در خشکی موسوم به کنوانسیون پاریس که در سال ۱۹۷۴ به صورت منطقه ای برپا گردید، برای کنترل آلودگی های مستقر



کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضایی

شهریورماه ۱۳۹۶



در خشکی تدوین نشده است! زیرا این نوع از آلودگی، ریشه در قلمرو حاکمیت دولت ها دارد (آن هم نه فقط یک دولت!)^۶ این در حالی است که کنوانسیون مزبور، منابع فوق را به ۴ دسته فهرست سیاه (مواد سمی و ترکیبات شیمیایی ارگانو هالوژن ها، جیوه، کادمیوم، مواد پر دوام مصنوعی و نفت) و فهرست خاکستری (مواد کمتر سمی مثل ترکیب های ارگانیک فسفر دار، سیلیکون، قلع، نفت های فسفردار بی دوام و آرسنیک یا زرنیک) و گروه سوم را مواد رادیو اکتیو و گروه چهارم را سایر مواد آلوده ساز تقسیم می کند.^۷ مع الاسف مجوز سرازیر کردن مواد صنعتی به دریا که در بنادر انگلستان و ویلز صادر می شود، طی هشت سال به دو برابر رسید! (از ۵۲۷ هزار تن در سال ۱۹۷۱ به ۱۴۴۵۰۰۰ تن در سال ۱۹۷۹) ولی با نهایت تأسف، مقدار زباله ها بسیار بیش از مقدار ذکر شده در مجوز ها است^۸ به راستی آیا واقعا می توان تخلیه این همه مواد بسیار خطرناک در دریاها را از دیدگاه حقوق بین الملل، امری مجاز تلقی نمود؟! یکی دیگر از نارسایی های مشهود این است که از ۵ ضمیمه کنوانسیون موسوم به **نفت، مایعات سمی فله، مواد مضر بسته بندی شده، فاضلاب و زباله ها**، فقط دو مورد اول را برای همه دولت های عضو به صورت اجباری و پذیرش سه مورد دیگر را به صورت اختیاری در آورده اند؟! آیا همین چراغ سبزیهای نگران کننده موجب نشده است که براساس گزارش سازمان صلح سبز که در اکتبر سال ۱۹۸۱ منتشر گردید، ریزش مواد زاید صنعتی به دریای شمال فقط در حد فاصل یک سال یعنی از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹، حدود ۱۰٪ افزایش یابد^۹ در حالی که ماجرای تلخ Rainbow warrior یادآور قربانی شدن یک خبرنگار وابسته به سازمان صلح سبز است تا مسائل پشت پرده مربوط به خطرات آلودگی زیستی، حتی المقدور از چشم مردم جهان مخفی بماند! ابعاد فاجعه هنگامی بیشتر هویدا می گردد که بدانیم حجم سرسام آور آلودگی های موصوف، صرفاً مربوط به موادی است که با مجوز رسمی تخلیه شده اند! لذا اگر خطرات ناشی از ملاحظات ماده ۳۰۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را که حاکی است: نمی توان از هیچ دولتی درخواست ارائه اطلاعاتی نمود که افشای آن ها مغایر با منافع اساسی آن دولت خصوصاً از لحاظ امنیتی باشد،^{۱۱} را نیز به این رقم بیفزاییم، بی شک مقدار موادی که به صورت مخفیانه به دریاها سرازیر می شود آنقدر وحشتناک خواهد شد که هیچ نهاد ملی یا بین المللی شهادت افشای آن را ندارد! پس آیا این همان حقوق و یا نهادی است که قرار است امنیت مردم جهان را تأمین کند؟

۲-۲) بررسی فجایع محیط زیست هوایی و فضایی و ریشه های حقوقی این نارسایی ها: امروزه به نظر می رسد که بسیاری از مشکلات موجود، ریشه در ابهامات و نقایص حقوقی گنجانده شده در متن معاهدات، آن هم به صورت کاملاً تعمدی دارد! چه اینکه خسارت نیز در معاهده فضا تعریف نشده است.^{۱۲} و در معاهده مسئولیت نیز صرفاً توضیح بسیار محدودی پیرامون مسئولیت خسارات وارده توسط اجسام رها شده در فضا ارائه شده است. لذا اگر این اجسام به وسیله یک کشور غیر عضو پیدا شود و یا اگر این اجسام در محدوده فضا (که تعلق به هیچ دولتی ندارد) به وسایل پرنده یا نصب شده برخورد کند، موضوع در هیچ یک از مراجع بین المللی قابل پیگیری نیست و نمی توان علیرغم ثبت اشیاء پرتاب شده به فضا (معاهده ثبت)، خسارتی را از کشور پرتاب کننده دریافت کرد^{۱۳} مثال دیگر این که دولت های راه یافته به فضا (آمریکا و شوروی و حتی چین و فرانسه) نه تنها بدون هیچ گونه دغدغه ای، همواره حجم معتناهی از مواد رادیواکتیو را به فضا حمل می کنند، بلکه از بین ۴ قدرت بزرگ فضایی فوق الذکر، دو کشور چین و فرانسه اصولاً به عضویت معاهده منع آزمایش سلاح هسته ای در فضا و زیر دریا و اتمسفر (معاهده ۱۹۶۳) و معاهده تحدید آزمایشات هسته ای زیرزمینی و معاهده پیشگیری از هسته ای شدن اعماق دریاها، نیز در نمی آیند و کشور چین به همراه آمریکا و اسرائیل و برزیل و هند، به عضویت معاهده عدم گسترش سلاح هسته ای نیز در نیامده اند و کشورهای آمریکا و شوروی، حتی از پیوستن به معاهده ماه هم خودداری کرده اند!^{۱۴} این در حالی است که مجمع عمومی نیز در اجلاس ۱۹۶۸ از یک سو کشورهای هسته ای از هرگونه انتقال سلاح های هسته ای به کشور های غیرهسته ای منع کرده و از سوی دیگر کشورهای غیرهسته ای نیز هرگز نمی بایست در صدد تهیه (چه رسد به تولید) چنین سلاحی برآیند؟! اما به راستی اگر قدرت های بزرگ دست از این همه مسابقات تسلیحاتی کاملاً غیر ضرور بردارند، آیا هیچ نیازی برای انعقاد معاهده ABM وجود دارد که نحوه کنترل حمله به موشک های بالستیکي مورد امعان نظر قرار گیرد که هر یک از آن ها دارای چندین کلاهک اتمی هستند؟^{۱۵} گویا قدرت های بزرگ فضایی، علاوه بر تصاحب میراث بشری همه سلاح های ممتاز را نیز فقط برای خود می خواهند تا نظام سلطه هرگز آسیبی نبیند. در حالی که هیچ معاهده ای وجود ندارد که طی آن ها به معرفی دولت یا دولت هایی تحت عنوان پاسدار میراث بشری از سوی مردم و یا نهادهای بین المللی پرداخته باشند. بی شک سکوت افکار عمومی در قبال این امتیازات غیرحقوقی و ظالمانه موجب بروز وقایعی شده است که امروزه توسط ترامپ طراحی می شود! عجیب این که در بند ۳ عهدنامه منع تولید، گسترش، انباشت، استفاده از سلاح های شیمیایی که در کنفرانس خلع سلاح ژنو (۱۹۹۲) مطرح شده بود، کاربرد سلاح های شیمیایی در آشوب ها و اغتشاشات داخلی، مجاز اعلام شد و چنین اقدامی را قانونی تلقی کرده اند؟! اما آیا همین قبیل بی تفاوتی ها موجب نشده است که تاکنون چهار بار از سلاح های شیمیایی به طور گسترده استفاده شود که به ترتیب عبارتند از: سال ۱۹۱۵ مقارن با جنگ جهانی اول توسط دولت آلمان/ سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۹ در جنگ ویتنام توسط آمریکا/ اقدام متقابل ویتنام علیه آمریکا در همان سال های مذکور/ سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ در جنگ عراق علیه ایران توسط صدام حسین معدوم.^{۱۶} مع الاسف هیچ کشوری کاربرد آن همه مواد شیمیایی علیه ایران در بمباران هوایی توسط صدام حسین را هرگز یک جنایت جنگی



تلقی نکرد و در تنها قطعنامه شورای امنیت نیز نام کشور عراق ذکر نشد!^{۱۷} همین بند نشان می دهد در جایی که منافع حاکمان اقتضا کند، کاربرد سلاح های کشتار جمعی با آن همه پیامدهای بعدی زیست محیطی، قانونی اعلام می شود.^{۱۸} البته این تلاش همه جانبه برای حفظ نظام سلطه، علاوه بر جنبه نظامی و سیاسی، دارای صبغه اقتصادی رادیکالی نیز می باشد. کما این که بر اساس مطالب پخش شده در یک برنامه تحلیلی اقتصادی در تاریخ ۹۴/۱۰/۲۸ از شبکه BBC، هم اکنون ثروت ۱٪ مردم دنیا، بسیار بیشتر از ۹۹٪ بقیه جمعیت فعلی جهان است!!! متأسفانه در غیاب راهکارهای کارآمد حقوقی، شاهد بروز فجایع مستمر در هوا و فضا هستیم. کما این که اگر به درستی می بایست گزارش هر شیئی پرتاب شده به فضا، تقدیم دبیر کل شود، تا کنون هیچ گزارشی به دبیر کل تقدیم نشده است!^{۱۹} در حالی که یکی از آثار نامطلوب و خطرناک سقوط زباله های سرگردان در فضا، حادثه سقوط زباله های سفینه فضایی شوروی موسوم به کاسموس در سال ۱۹۶۹ در دریای ژاپن بود که منجر به زخمی شدن ۵ ماهیگیر ژاپنی گردید و حادثه بعدی، آلودگی قسمت قابل توجهی از اراضی غرب استرالیا و شمال غربی کانادا بر اثر سقوط زباله های رادیواکتیو سفینه فضایی کاسموس و آزمایشگاه فضایی روسیه به زمین بود!^{۲۰} ولی از آنجایی که در معاهده مسئولیت، هیچ اشاره ای به قلمرو و دامنه شرایط مخاطره آمیز نشده است، چنانچه اجسام رها شده توسط یک کشور غیر عضو معاهده در هر نقطه ای از جهان یا در فضا پیدا شود، آن موضوع قابلیت پیگرد و مطالبه خسارت از کشور پرتاب کننده را ندارد!^{۲۱} در صورتی که خرد بین المللی و نیات انسان دوستانه از همان اولین معاهده فضایی، خود را نشان داد که صراحتاً حاکی از منع استقرار هرگونه اجسام حامل سلاح های هسته ای یا دیگر اقسام سلاح های کشتار جمعی در فضا بود.^{۲۲} ماده ۹ معاهده فضای ماوراء جو، همه دولت ها را ملزم به تلاش برای جلوگیری از آلودگی زیان آور فضا و ایجاد تغییرات نامطلوب در محیط زیست کره زمین نموده بود!^{۲۳} ضمناً موافقت نامه ماه، هرگونه مانور نظامی، ساخت پایگاه نظامی، آزمایش هرگونه سلاح نظامی، خصوصاً سلاح های هسته ای را ممنوع و^{۲۴} معاهده ۱۹۶۳ نیز آزمایش هرگونه سلاح اتمی و انفجارات هسته ای در فضا و اتمسفر و زیر دریا را به طور جدی ممنوع اعلام کرده است.^{۲۵} در دو معاهده مکمل بعدی نیز، کلیه دولت های فعال در فضای ماورای جو، مکلف به اعاده اشیاء پرتاب شده به سوی زمین و معدوم سازی آنها شده اند. مع الاسف از ۱۰۱ ماهواره پرتاب شده توسط روسیه در سال ۱۹۸۲ و ۵۹ پرتاب در سال ۱۹۹۱، بیشتر آن ها حامل ماهواره های نظامی بوده است!^{۲۶} و اصولاً رشد فناوری هوایی با اهداف تامین نیازهای موهوم نظامی صورت گرفته است!^{۲۷} مع الوصف چقدر تأسف بار است که آمریکا طرح وسیع جنگ ستارگان را صرفاً به منظور پوشش اقدامات هسته ای فضایی خود تدارک دیده است و نه تنها آن را یک اقدام صرفاً دفاعی قلمداد می کند،^{۲۸} بلکه دست به انواع آزمایشات هسته ای در فضا و استقرار سکوهای نظامی فضا پایه زده است. ولی اگر اقدامات زمینی و زیرزمینی (زیردریایی) و فضایی برخی از کشورها را تحت بررسی قرار دهیم، به سادگی درمی یابیم که این منویات جاه طلبانه، کل جمعیت ساکن بر روی کره زمین را که علی القاعده می بایست مهد آرامش بشر باشد، به انبار باروتی مبدل ساخته اند که در هر لحظه ممکن است انفجاری بس ویرانگر را در پی داشته باشد و حیات بشری را از زمین و هوا و دریا، به صورتی بسیار وحشتناک مورد تهدید قرار دهد. ولی متأسفانه اجازه نمی دهند که مردم دنیا در جریان حتی بخش کوچکی از این تهدیدات قرار بگیرند. همین رفتارها موجب نشده است که یکی از بزرگترین متخصصان حقوق بین المللی به نام خانم الگا مارتین آرتگا که دکترای حقوق بین الملل خود را با درجه عالی از دانشگاه سویای اسپانیا اخذ نمود و دارای آثار پژوهشی متعددی در زمینه حقوق بشر می باشد، در کتاب مشهور خویش به نام **International law** اذعان نماید که: دولت ها در روابط با یکدیگر، به میل خود عمل می کنند نه آن چه را که توافق کرده اند!!!^{۲۹}

States in their relations with each other did, what they wanted to do rather than what they agreed to do!!^{۲۸}

لذا تهدید محیط زیست از طریق فضا به قدری جدی است که حتی نویسنده کتاب حقوق بین الملل فضا نیز معتقد است که مقررات مربوط به استفاده از منابع نیروی هسته ای در فضا که پس از ۱۳ سال مذاکره توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده است، نوعی مجوز دوفاکتو برای وارد آوردن خسارت توسط کشورهای برخوردار از تکنولوژی فضایی به محیط زیست است!^{۳۰} در حالی که هیچ سطحی از آلودگی هسته ای مجاز، در محیط زیست زمین و فضا وجود ندارد. زیرا آلودگی ذاتاً غیر قانونی است و موجب تهدید حیات است. خصوصاً این که کلیه فعالیت های فضایی، تاثیر مستقیم و وسیعی بر محیط زیست بر جای می گذارد.^{۳۱} مع الاسف امروزه رفتارهای خودمحرورانه برخی دولت ها صرفاً علمای حقوق را نرنجانده است، بلکه حتی ICJ نیز تن به اعلام مشروعیت استفاده دولت ها از سلاح های هسته ای در مخاصمات مسلحانه داده است!! در حالی که چنین دیدگاهی با روح بسیاری از کنوانسیون های بین المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری و بشر دوستانه در تعارض است. لذا نگاهی از سر کنجکاو به جمله ای که حاکی از صدور چنین رأی مصلحتی و بهت آور می باشد، خالی از لطف نیست:

The legality of the use by a state of Nuclear weapons in Armed conflict^{۳۱}

این جمله نمونه ای از تصمیمات قضایی است که در فرایز از کتاب **international law**، فهرست شده است!! البته همین اندک نمونه هایی که عنوان شد، به خوبی نشان می دهد که جهان امروز به دلیل وجود اشکالات ساختاری در اجرای حقوق بین الملل، با کلیه موضوعات حقوقی به



صورت کاملاً گزینشی برخورد می کند و دولت های ناقض کنوانسیون ها نه تنها در هنگام نقض تعهدات، بلکه حتی در اجلاس سالانه سازمان ملل که بهترین زمان برای ارزیابی عملکرد دولت هاست، با هیچ گونه عکس العمل تعیین کننده و قاطعی مواجه نمی شوند و همین سابقه موجب شده است که افراد کم تجربه ای همچون ترامپ، با کمال بی اعتنائی به افکار عمومی جهانیان، فسخ یک طرفه معاهده پاریس را اعلام می نماید!! خوشبختانه جمله ای ارزشمند از آقای من فرد لکس (Manfred Lax)، یکی از حامیان بسیار جدی فضای عاری از سلاح، مؤید این ادعا است که در دنیای معاصر، حقوق بین الملل شدیداً ملوث به سیاست شده است. چه اینکه تاکنون اختصاص هوا و فضا به اهداف صلح آمیز بنا به دلایل سیاسی، ممکن نشده است^{۳۲} در صورتی که وجاهت یک امر حقوقی، به رضایت یا عدم رضایت یک دولت و حتی طیف خاصی از دولت ها هیچ گونه ارتباطی ندارد و هرگونه تساهل در این زمینه، به منزله انحراف از ماهیت حقوق است.^{۳۳} حقیقت این است که ضعف نهادهای بین المللی در مقابله با دولت های خود رأی، کار را به جایی رسانده که آن ها برای هر شیوه رفتاری خویش، یا از هویت یک واژه محبوب به صورت کاملاً جعلی استفاده می کنند و یا به سرعت و بدون هیچ گونه دغدغه ای، یک واژه جدید، خلق می کنند! مثلاً به جای این که معدود دولت های مخالف با یک معاهده، از جامعه بین المللی طرد شوند، با این توجیه که معاهده صرفاً برای دولت هایی تعهدآور است که آن را امضاء کرده اند!! و یا نام برخی از منویات خود را قواعد نرم و قوام نیافته یا قطعنامه های اختیاری و کنوانسیون های منطقه ای می گذارند و با همین واژگان من درآورده و غیرحقوقی، هرگونه تفسیری از معاهدات را تحت عنوان تلاش برای قوام یافتن مفاد معاهدات، توجیه کنند!!^{۳۴} البته در فرازی دیگر از همین کتاب عنوان شده است که رویه دولت ها در آینده به گونه ای خواهد شد که حقوق خام موجود در عرف و معاهدات، به تدریج به حقوق سخت و قوام یافته تبدیل خواهند شد.

Subsequent state practice may be such to change the status of soft law to hard law or a treaty with hard law obligations may be concluded.^{۳۵}

علیهذا امید می رود که سرمستان قدرت، قبل از اینکه این پیام ها به خشم مهارناشدنی ملت ها تبدیل شود و بساط ظلم آشکار و ناپیدای آنان را بر باد دهد، نسبت به تجدید نظر اساسی در عملکرد نادرست خویش، اقدام نمایند. ان شاءالله

۳- نتایج و جمع بندی: همان گونه که در عقود مدنی و قراردادهای شخصی، امور مورد توافق طرفین هنگامی دارای ارزش ماهوی می شود که هیچ خدشه ای به مفاد آن ها وارد نشود، در عرصه جهانی نیز صرف هزینه های گزاف در مسیر تأمین بودجه نهادها و مراجع بین المللی، هنگامی معقول و مورد تأیید مردم قرار خواهد گرفت که دول امضا کننده، از معیارهای تعیین شده عدول ننمایند. در این پژوهش تمامی مسائل حواشی همین موضوع، مورد مذاقه قرار گرفته و راهکارهای قابل توجهی ارائه شده است که به نظر می رسد در اصلاح کاستی های موجود، نقش مؤثری داشته باشد.

۴- پیشنهادها: در نظر گرفتن اولویت فاحش برای افکار عمومی در بین ضمانت اجراهای پیش بینی شده در متن هر یک از کنوانسیون ها/ تشکیل کمیسیون پیگیری مصوبات برای تمامی کمیسیون ها/ ارسال یک نسخه از کلیه معاهدات برای دانشگاه های مشهور کشورهای عضو هر معاهده/ فراهم آوردن امکان نظرسنجی های مداوم از اساتید دانشگاه ها و علمای حقوق در طول دوره اعتبار حقوقی معاهدات/ مهیا کردن شرایط حضور هر چه مؤثرتر علمای حقوق در فرایند تدوین و مذاکرات حین تصویب کنوانسیون ها.

۵- مستندات و مراجعات:

- ^۱ آلن لو و رابین چرچیل، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۴
- ^۲ آلن لو و رابین چرچیل، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۴۲۰
- ^۳ آلن لو و رابین چرچیل، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، صص ۳۷۱ - ۳۷۲
- ^۴ آلن لو و رابین چرچیل، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۳۸۲
- ^۵ هییت الله نژندی منش، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، نشر میزان، ۱۳۹۱، صص ۱۹۷ - ۲۰۵
- ^۶ رابین چرچیل و آلن لو، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۴۳۲
- ^۷ رابین چرچیل و آلن لو، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۴۳۳
- ^۸ رابین چرچیل و آلن لو، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۴۴۰
- ^۹ رابین چرچیل و آلن لو، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۳۸۶
- ^{۱۰} رابین چرچیل و آلن لو، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۴۴۰
- ^{۱۱} رابین چرچیل و آلن لو، ترجمه بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۴۶۵
- ^{۱۲} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، صص ۱۴۹ - ۱۵۱
- ^{۱۳} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، صص ۱۳۳ - ۱۳۴
- ^{۱۴} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، صص ۱۴۲ - ۱۴۷
- ^{۱۵} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، صص ۱۹۴ - ۱۹۶
- ^{۱۶} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، صص ۱۷۳ - ۱۷۴
- ^{۱۷} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۹



^{۱۸} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹ - ۲۱۱

^{۱۹} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۵

^{۲۰} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۳۱۲ - ۳۱۴

^{۲۱} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۷۰

^{۲۲} Green N A Maryan, **International law**, pitman, third edition, 1987, p 177

^{۲۳} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹

^{۲۴} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱

^{۲۵} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۳۹

^{۲۶} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۶۸

^{۲۷} Green N A Maryan, **International law**, pitman, third edition, 1987, p 176

^{۲۸} Rebecca M.M Wallace, **International law**, Khorsandy, 1391,, p 8

^{۲۹} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۶۹

^{۳۰} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، صص ۹۷ - ۱۲۲ - ۱۲۵

^{۳۱} Rebecca M.M Wallace, **International law**, Khorsandy, 1391, p 27

^{۳۲} حسین نواده توپچی، حقوق بین الملل فضا، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۵۱

^{۳۳} هیبت الله نژندی منش، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، نشر میزان، ۱۳۹۱، ص ۱۹۷

^{۳۴} Green N A Maryan, **International law**, pitman, third edition, 1987, p 31

^{۳۵} هیبت الله نژندی منش، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، نشر میزان، ۱۳۹۱، ص ۳۲

۶- منابع و مأخذ:

۶-۱) منابع فارسی:

۱- لو آلن، چرچیل رابین، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه آقای دکتر بهمن، گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۹۳

۲- نژندی منش هیبت الله، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۱

۳- نواده توپچی حسین، حقوق بین الملل فضا، خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۳

۶-۲) منابع انگلیسی:

۱- Green N A Maryan, **International law**, pitman, third edition, 1987

۲- M.M Wallace Rebecca, **International law**, Khorsandy, Fifth Edition, 1391